

دکتر «عاصم اکرم» در گفت و گو با «ایران دیپلماتیک»:

# بدون امنیت، هیچ امیدی برای افغانستان وجود ندارد



دکتر «عاصم اکرم»، تاریخ‌دان افغان متولد کابل است. وی دکناری خود را با دانش‌مدرسه «سورین» پاریس گرفته و حاصل «معلم» متعددی در باره افغانستان از جمله «محمد داود»، شخصیت، افکار و سیاستها - مطالعه در تاریخ معاصر افغانستان، و «تاریخ جنگ افغانستان» را به رشته تحریر درآورده است. دکتر اکرم اکنون در ایالات متحده آمریکا زندگی می‌کند و به کارهای تحقیقاتی مشغول است. توجه خواننده گان گرامی اسپران می‌کنیم.

تنبیحات انتخاباتی را چگونه نامزد می‌بینی می‌کنی؟ یا فکر می‌کنی این میانه‌نم‌دهای انتخاباتی کسی بتواند موقعیت حامد کرزای را تهدید کند؟

■ بی شک، برخی رقبای جدی برای حامد کرزای وجود دارند. من می‌توانم به پروفیسور «عبدالستور و بیونس قانونی» اشاره کنم. من مطمئن هستم، میان سایر نامزدها هم افراد بسیار توانایی هستند. اما متأسفانه در این انتخابات، نتایج از هم اکنون معلوم است. آقای کرزای از پشتیبانی می‌یابد و بشرط آمریکا را خواهد رساند و برای افغانها که رأی می‌دهند یک معادله مطرح است - کرزای - آمریکا = پول = کمکهای بین المللی - امنیت.

همینست که این معادله در واقعیت چنین غلط و قابل بحث است، اما این چیز است که به طور دائم نتنها در رسانه‌های تحت تسلط دولت، بلکه در شبکه‌های رادیویی که افغانها بیشتر گوش می‌دهند، مثل بی. بی. سی، رادیو آمریکا و رادیو آزاد اروپا تبلیغ می‌شود.

به خاطر وضعیت امنیتی و هیچ‌خاطر فشان در برگزاری انتخابات برای برآورده کردن هدف آقای بوش، در واقع، هیچ مبارزه و رقابت جدی انتخاباتی وجود نداشته است. نامزدهای کمتر شناخته شده نتوانسته‌اند برای خودشان تبلیغ کنند و به چالش جدی برای حامد کرزای تبدیل شوند. آقای کرزای می‌تواند سهرای کوتاهی به ولایت تحت کنترل شدید آمریکا باشد. بزرگ‌ا می‌سفر ساز نامزدها تنها محدود به کابل و برخی شهرهای عده به خاطر مسائل امنیتی است.

در صورت پیروزی حامد کرزای، چه تغییراتی در سیاستهای داخلی و خارجی خواهد بود؟

■ تغییرات صورت خواهد گرفت؟ فکرمی‌کنید

تغییر عمده‌ای صورت گیرد؟

■ فکرمی‌کنی تغییر عمده‌ای در سیاستهای خارجی افغانستان صورت گیرد. سیاست خارجی عمدتاً توسط گرایش‌ها و جهت‌گیریهای طولانی مدت و تحت تأثیر تاریخ و ژئوپولیتیک تعیین و تدوین می‌شود. البته رویدادهای ناگهانی همانند انقلاب می‌تواند چنین پیوستگی و استمراری را مختل کند. اما در مورد افغانستان، امروز، من صادقانه فکر نمی‌کنم تغییر عمده‌ای پس از انتخابات به وجود آید. برای هر کسی که بزرگ‌ا انتخابات شود، از جمله کرزای، بهتر است تا روابط دوستانه با کشورهای حریفانه تداوم یابد و به جانب توجه جامعه بین المللی برای دریافت کمکهای آنها ادامه داده شود.

سیاست خارجی افغانستان پس از آقای کرزای ۲۰۰۱، روزی که ایالات متحده به افغانستان حمله کرد، حضور نیروهای آمریکایی در خاک افغانستان است. سیاست خارجی آقای کرزای همانند بسیاری جنبه‌های دیگر در واشنگتن طرح می‌شود و مهم خود ایشان اندک است. در مورد سیاست خارجی، سؤال بنیادیه که تاکنون طرح نشده، این است که با به قدرت رسیدن حامد کرزای و حضور مطلق آمریکا در افغانستان، آیا افغانستان به پیروزی دیگری تبدیل می‌شود و آیا این کشور قادر می‌شود تا وضعیت خود را به عنوان یک کشور غیرمتمنند، فرار از عضویت، از طرف دیگر، نگاه افکار برای حضور در ارتش ملی افغانستان تحت تأثیر عوامل نظیر وابستگی به شرکت‌های غربی، دستمزدهایی که بسیاری اندین از اعضای اجاره‌ای جیبید بیشتر روی کاغذ وجود دارد.

بر اساس گزارش فصلنامه «هارین افروز» در شماره سپتامبر ۲۰۰۴، در حال حاضر، ارتش افغانستان حدود ۱۴ هزار نیرو دارد که اعضای حدود سه ماه آموزش دیده‌اند. این رقم با سقف پیش بینی شده ۲۰ هزار نفری در توافق بین آلمان فاصله زیادی دارد. در این گزارش‌ها، ارتش ملی افغانستان، از ناحیه فرار سربازان دچار وضعیت حاد است که اغلب به خاطر بی حقوقی پایین ترک خدمت می‌کنند. این رقم شرقی (یون) ارتش (سه) خاطر طالبان (یون) رزمی (یون) از خدالت در نزاع‌های جنگی سالان و سایر سازمان‌های مسلح اسلامی افغانها در طول سال‌های اخیر، ارتش ملی افغانستان، از ناحیه فرار سربازان دچار وضعیت حاد است که اغلب به خاطر بی حقوقی پایین ترک خدمت می‌کنند. این رقم شرقی (یون) ارتش (سه) خاطر طالبان (یون) رزمی (یون) از خدالت در نزاع‌های جنگی سالان و سایر سازمان‌های مسلح اسلامی افغانها در طول سال‌های اخیر، ارتش ملی افغانستان، از ناحیه فرار سربازان دچار وضعیت حاد است که اغلب به خاطر بی حقوقی پایین ترک خدمت می‌کنند. این رقم شرقی (یون) ارتش (سه) خاطر طالبان (یون) رزمی (یون) از خدالت در نزاع‌های جنگی سالان و سایر سازمان‌های مسلح اسلامی افغانها در طول سال‌های اخیر، ارتش ملی افغانستان، از ناحیه فرار سربازان دچار وضعیت حاد است که اغلب به خاطر بی حقوقی پایین ترک خدمت می‌کنند.

## تحلیلی بر وضعیت امنیتی - استراتژیک افغانستان و ارتش سازی دولتی که فقط به پایتخت محدود است

اشاره: اگر یک نگه بتواند وضعیت امنیتی - سیاسی افغانستان، پس از گذشت سه سال از سقوط رژیم طالبان بدمست اتفاق بیفتد، رهنرو آمریکا را توصیف کند، آن کلمه عبارت خواهد بود از: شکنندگی اجابلی اینجاست که غرب خود به یک امر مترقی است که جنگ سالان و میلیشیاهای محلی می‌شود. ۹۰ درصد کشور را کنترل می‌کنند. محدوده اقتدار و نفوذ دولت حامد کرزای از نظر فزونی کارآمدن تا کنون از چهار دیواری کابل فراتر نرفته است. بعد از انتخابات بر ضد صف نوری نیز تغییر عمده شرایط مزبور پیش خواهد آمد. کمسازوزن و مزارع بیشتر خشکسالی های تبیح زده می‌شوند. جنگ با توریزم نیز اگر به سالان کاشت و برداشت می‌شوند. جنگ با توریزم نیز اگر به معنی سنگگیری اسامه بن لادن، و اعضای ارتشد القاعده بوده باشد، بلکه تنها این هدف برآورده نشده، بلکه روند بازسازی یک جنگ سال پیش، به خاطر فقدان امنیت از نقطه نظر سیاسی چندانلی نخورده است. نحوه اولویت گذاری غرب برای حل مشکلات افغانستان، به خاطر تمرکز آمریکا روی مسائل عراق، نشان این احتمال دارد که سربازین افغانها را دیگر به شرایط قبل از سقوط طالبان تبدیل می‌شود.

امنیتی که نیست، ارتش ملی یون سرباز! گروه مجازین امنیتی (سه سی جی) که از سال ۲۰۰۱ در افغانستان حاکم شد، شرایط افغانستان، شرایط است. بر اساس استنادات معتقد است که در صورت بروز چنین وضعیتی، ارتش افغانستان، از ناحیه فرار سربازان دچار وضعیت حاد است که اغلب به خاطر بی حقوقی پایین ترک خدمت می‌کنند. این رقم شرقی (یون) ارتش (سه) خاطر طالبان (یون) رزمی (یون) از خدالت در نزاع‌های جنگی سالان و سایر سازمان‌های مسلح اسلامی افغانها در طول سال‌های اخیر، ارتش ملی افغانستان، از ناحیه فرار سربازان دچار وضعیت حاد است که اغلب به خاطر بی حقوقی پایین ترک خدمت می‌کنند.

Table with 3 columns: Region, Population, and Military Units. Includes provinces like Kabul, Kandahar, and Herat.

توضیح: منبع آمار بالا گزارش نویسی سازمان بین المللی مراقت است که در ژانویه ۲۰۰۲ انتشار داده شد. یونیتد و پسنیدنه نامتو در تحقیق استاتیلور در سال جاری (۲۰۰۴)، در جدول اعمال کرده است.

آمریکا در کابل در مورجان و پشتیبان طالبان از بدویندایش آنها در سال ۱۹۹۴ بودند، اگرچه بعدها در مراحل آخر وقتی، طالبان به جنبش افراطی تبدیل شدند، از آنها فاصله گرفتند. موضوع دوم اینکه، رهبری طالبان عمدتاً از قندهار و جنوب غربی افغانستان است جایی که خود آقای کرزای به آنجا تعلق دارد. این حسن تمیزی است که بگوئیم ارتباط قبیله‌ای و منطقه‌ای نقش خاصی خود را در سیاست افغانستان دارند. همینست که تحت نفوذ و حمایت سازمان سیا، مذاکراتی بین مقامان رسمی سابق طالبان و نمایندگان حامد کرزای در پاکستان صورت گرفته که تاکنون بی نتیجه بوده است. به احتمال قوی، این مذاکرات پس از انتخابات ادامه خواهند داشت.

سیاستهای کنونی آمریکا در افغانستان مخصوصاً تلاشهای اخیر این کشور در هررات و چگونه ازبای می‌کنند؟

■ ناعادلتان نخواهد بود اگر بگوئیم سیاست ایالات متحده در افغانستان ۱۳ سال پس از حضور در این کشور و علی‌رغم خوشبینی اجباری جورج بوش بیشتر به شکست شیفته تا موفقیت، وضعیت امنیتی و به وخت است. هیچ بازسازی آشکار و ملموسی دیده نمی‌شود. دولت بوش حمایت آمریکا از تهاک اسم است. تولید مواد مخدر شده گرفته است. روند انتخاباتی که تاکنون برپا شده (۲ لویی جرگه و انتخابات ریاست جمهوری قملی) به دور از نمونه‌های لادین، موکراسی است و ملا «مصدق عمر» و اسامه بن لادن هنوز قفل هستند. شاید مدیران ازده گیری موفقیت آقای بوش، متفاوت از من باشد، اما نمی‌توانم ببینم در یکجا موفقیت حاصل شده است.

در باره هررات، اسامیل خان اگرچه به صورت رسمی رابطه خوبی با واشنگتن و ارتش آمریکا دارد (میرزان تعدادی از نیروهای ویژه آمریکا کارشهرش بود) اما برای توطئه در کابل، در اسماعیل خان یکی از محبوب ترین های جنگ سالان است. او قربانی جوساری و شامیه برائتی از مندا پیش از ترناری اش شد. او متمم شد که دیکتاتور و بنیانگذار یک مذهب است. روابط خوبی با ایران دارد. بن شخصیت این باروم چیزی که باعث برکناری اش شد، ضعف و حرص کابل بر ارتشهای بالای فکرمی او و ترس و بارانولوی آمریکا از ایران بود. این اولین بار نیست که امیر (اسماعیل خان) قربانی چنین کودتایی شده است. او از گذشته،

گفت و گو از مرمن نرسیان

بازگشت یاب و پشتیبان طالبان از بدویندایش آنها در سال ۱۹۹۴ بودند، اگرچه بعدها در مراحل آخر وقتی، طالبان به جنبش افراطی تبدیل شدند، از آنها فاصله گرفتند. موضوع دوم اینکه، رهبری طالبان عمدتاً از قندهار و جنوب غربی افغانستان است جایی که خود آقای کرزای به آنجا تعلق دارد. این حسن تمیزی است که بگوئیم ارتباط قبیله‌ای و منطقه‌ای نقش خاصی خود را در سیاست افغانستان دارند. همینست که تحت نفوذ و حمایت سازمان سیا، مذاکراتی بین مقامان رسمی سابق طالبان و نمایندگان حامد کرزای در پاکستان صورت گرفته که تاکنون بی نتیجه بوده است. به احتمال قوی، این مذاکرات پس از انتخابات ادامه خواهند داشت.

سیاستهای کنونی آمریکا در افغانستان مخصوصاً تلاشهای اخیر این کشور در هررات و چگونه ازبای می‌کنند؟

■ ناعادلتان نخواهد بود اگر بگوئیم سیاست ایالات متحده در افغانستان ۱۳ سال پس از حضور در این کشور و علی‌رغم خوشبینی اجباری جورج بوش بیشتر به شکست شیفته تا موفقیت، وضعیت امنیتی و به وخت است. هیچ بازسازی آشکار و ملموسی دیده نمی‌شود. دولت بوش حمایت آمریکا از تهاک اسم است. تولید مواد مخدر شده گرفته است. روند انتخاباتی که تاکنون برپا شده (۲ لویی جرگه و انتخابات ریاست جمهوری قملی) به دور از نمونه‌های لادین، موکراسی است و ملا «مصدق عمر» و اسامه بن لادن هنوز قفل هستند. شاید مدیران ازده گیری موفقیت آقای بوش، متفاوت از من باشد، اما نمی‌توانم ببینم در یکجا موفقیت حاصل شده است.

در باره هررات، اسامیل خان اگرچه به صورت رسمی رابطه خوبی با واشنگتن و ارتش آمریکا دارد (میرزان تعدادی از نیروهای ویژه آمریکا کارشهرش بود) اما برای توطئه در کابل، در اسماعیل خان یکی از محبوب ترین های جنگ سالان است. او قربانی جوساری و شامیه برائتی از مندا پیش از ترناری اش شد. او متمم شد که دیکتاتور و بنیانگذار یک مذهب است. روابط خوبی با ایران دارد. بن شخصیت این باروم چیزی که باعث برکناری اش شد، ضعف و حرص کابل بر ارتشهای بالای فکرمی او و ترس و بارانولوی آمریکا از ایران بود. این اولین بار نیست که امیر (اسماعیل خان) قربانی چنین کودتایی شده است. او از گذشته،

بازگشت یاب و پشتیبان طالبان از بدویندایش آنها در سال ۱۹۹۴ بودند، اگرچه بعدها در مراحل آخر وقتی، طالبان به جنبش افراطی تبدیل شدند، از آنها فاصله گرفتند. موضوع دوم اینکه، رهبری طالبان عمدتاً از قندهار و جنوب غربی افغانستان است جایی که خود آقای کرزای به آنجا تعلق دارد. این حسن تمیزی است که بگوئیم ارتباط قبیله‌ای و منطقه‌ای نقش خاصی خود را در سیاست افغانستان دارند. همینست که تحت نفوذ و حمایت سازمان سیا، مذاکراتی بین مقامان رسمی سابق طالبان و نمایندگان حامد کرزای در پاکستان صورت گرفته که تاکنون بی نتیجه بوده است. به احتمال قوی، این مذاکرات پس از انتخابات ادامه خواهند داشت.

## فکر می‌کنید روابط افغانستان با ایران و پاکستان دچار تغییر خواهد شد؟

■ فکرمی‌کنید روابط افغانستان با ایران و پاکستان دچار تغییر خواهد شد؟

■ بر این باور نیستم که روابط افغانستان با همسایگانش دچار تغییر شود. کابل نیاز دارد تا روابط خوبی با دو همسایه خود داشته باشد، چون جنگ دیگری ندارد. به علاوه آمریکا می‌خواهد که از دولت کرزای حمایت و پشتیبانی می‌کند. خواهان روابط بدون حاشیه و بی در دسر با همسایه‌ها هستند. در مورد ایران و پاکستان تأثیری که نتیجه انتخابات افغانستان بر آن خواهد داشت، فکر نمی‌کنم بشی. من بر این باورم که تهران و اسلام‌آباد، هر دو، با احتیاط، تحولات افغانستان را دنبال می‌کنند و برخلاف سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱، از دور مورد حمله مسترکنان رفتاری تحریک‌آمیز و سبزه‌جویانه ندارند.

ایالات متحده در افغانستان ۱۳ سال پس از حضور در این کشور و علی‌رغم خوشبینی اجباری جورج بوش بیشتر به شکست شیفته تا موفقیت، وضعیت امنیتی و به وخت است. هیچ بازسازی آشکار و ملموسی دیده نمی‌شود. دولت بوش حمایت آمریکا از تهاک اسم است. تولید مواد مخدر شده گرفته است. روند انتخاباتی که تاکنون برپا شده (۲ لویی جرگه و انتخابات ریاست جمهوری قملی) به دور از نمونه‌های لادین، موکراسی است و ملا «مصدق عمر» و اسامه بن لادن هنوز قفل هستند. شاید مدیران ازده گیری موفقیت آقای بوش، متفاوت از من باشد، اما نمی‌توانم ببینم در یکجا موفقیت حاصل شده است.

## چشم‌انداز

### قهرمان ملی یا قصاب؟

مرد «کابل» خزان سال ۱۳۷۵ خورشیدی را با اضطراب صرف پایتخت توسط شبه نظامیان بنیادگرای طالبان آغاز کردند. دو سال از تشکیل این گروه در افغانستان می‌گذشت و طالبان پیش از کابل، شهرها و مناطق زیادی را تصرف کرده بودند. آوازه تقسیم سخنگیرانه آنان از شریعت اسلامی و عملکردها در شهرهای دیگر چون قندهار، کابلین نیز با توجه به پیشرویهای وسیع و بی دری طالبان، حضور آنان را در شهر خود دور از انتظار می‌دانستند.

این تردید، این خبر نیز به مردم پایتخت رسیده بود و طالبان در چند سال گذشته، شهرهای تحت تصرفشان را با آرامش نسبی حفظ کرده بودند، در حالی که کابل از نخستین شهرهای پایتخت بود، مردم کابل، کمتر شبی آرام گذرانده بودند.

دنیای نو و کهنه طالبان

صورتی که در طالبان طالبان، چهار کهنه و نورا در اذهان چشمهای سرمه کشیده، سوز بر داندوها و نیتوناهای مدل پلا، زمانی خیابانهای کابل را تسخیر کردند که سران و رهبران مجاهدین دست از جنگ کشیدند و شهر را ترک کردند. در آن هنگام، خورشید سپحمن زور میزان ۱۳۷۵ نیز، در پشت گرههای غراب نهان می‌شد. با وجود خارج شدن گرههای رقیب از پشت کابل، مردم این شهر، شب را نیز با آرامش نسبی سپری کردند. اما تمام و شلیک گلوله به طور پراکنده تا ساعات اولیه صبح سپید می‌شد.

صبح روز بعد، مردم با فریادهای جارجیبانی از خواب بیدار شدند که آنان را به نمانشای جسد آویخته دکتر نجیب الله، رئیس جمهوری سابق افغانستان در چهارراه آریانا فری می‌خواندند. به گفته شاهدان عینی، جسد دکتر نجیب الله در حالی از صرب و پشت پیش می‌کشتن در سر و صورت مشاهده می‌شد و لباسی ملطبی در تن داشت. از جایگاه پلیس ترافیک در چهارراه آریانا آویخته شده بود.

از دیه زیاده جایگاه نیز، جسد «شاهپور احمدزی» برادر جوان دکتر نجیب الله آویخته شده بود که آثاری از شکنجه و مرگ و کشتن نداشت. طالبان در میان کشتن بی حرکت تپ و تود او و دکتر نجیب الله، پول و سیگار گذاشته و بدین ترتیب، جسد او را به سمسور گرفته بودند. چهارراه آریانا از اگر ریاست جمهوری، جایی که دکتر نجیب الله شش سال در آن حکومت می‌کرد و دفتر سازمان ملل متحد که رئیس هیئت مدیره افغانستان از زمان سقوط حکومتش در سال ۱۳۷۱ خورشیدی، به مدت پنج سال در آن به سر می‌برد، قاصه کمی دارد.

مردم از دکتر نجیب الله می‌گویند  
اما مردم کابل از کشتن وی پس از سه سال، خاطره‌یامداد ششم ژانویه را فراموش کرده‌اند؟ دکتر نجیب الله، اکنون بعد از شش سال، چه جایگاهی در میان مردم دارد؟  
تقریباً از شهرندان کابل در این مورد چنین می‌گویند:  
«وقتی طالبان کابل را گرفتند، توانستند که شهر را به شهادت برسانند. ما را به خاطر حضور آنها در نهانگاه‌ها، ساندن، بلیزهای کارگان، ماهانگه که حضور آنها در افرمان آورد، کرده‌اند. دکتر نجیب را هم باید فراموش کرد.»  
«جایگاه دکتر نجیب در میان مردم همین است که او منتی خواهد شد. او بر سر نمانشای خود که کابل یک خانه هم ندارد، خرابه‌اش را با پاکستان و عراق هستند.  
این فقر می‌کنند که مانند هر کسی دیگر، او هم باید یک روزی جواب پس می‌داد و همان صحنه‌ای که دیدیم (آویختن او در چهارراه آریانا)، در همان جا به جزای اعمال خود رسید.»

دکتر نجیب در افغانستان، زمانی رئیس‌شاد (اداره امنیت مردم بنگانه افغانستان بود، اما اقدامات بعدی، او تقریباً کارهای اول او را از ذهن مردم پاک کرد.  
دکتر نجیب در ریاست‌شاد، شخصیت و عملکرد دکتر نجیب الله نیست. نام این رئیس‌جمهوری پیشین افغانستان، در مقطعی از تاریخ این کشور، با سازمان خدمات امنیت دولتی (شاد) و عملکرد آن گروه خورشیدی، در ارتباط است. در سالیهای اخیر خود ۶۰ سال زندگی و خصلت‌های مخالفان دولت را زنده می‌کنند. انتشار اسناد استراژی و اسناد دانشگاه کابل، معتقد است که ریاست‌شاد دکتر نجیب بر این سازمان، از زاویه‌های امنیتی شخصیت اوست که در ذهن مردم باقی مانده است. دکتر نجیب در میان مردم، نوعی محبوبیت و آشنایی با توجه عملکرد حکومتی او، دارد.  
علاقه به دکتر نجیب در واکنش به عملکرد دیگران خیلی‌ها هم معتقدند که محسوبیت امنیتی آن‌ها نسبت به دکتر نجیب در واکنش به عملکرد دیگران، در حد صورت‌پس از حمله طالبان در نخستین ساعات صرف کابل، اقدام به این کار کرده‌اند.  
نصرالله استانیکی استاد دانشگاه، این احتمال مطرح شد توسط شریکان کابل که دکتر نجیب الله، برای تأکید خود بر حل مناقشه‌های با پاکستان، شد، تأکید می‌کند.  
اما وحید مزده نوسنده است. «افغانستان و پنج سال بندهای طالبان، که در زمان کمیت این گروه، کارمند سلبه‌ای از وزارت خارجه افغانستان بود، به محافه این نظر است. وی که از نزدیک با سرکردهای طالبان در تماس بوده است، احتمال اختلافات و نوسینه حسابهای درونی خود مومکریک خلق افغانستان را در دکتر نجیب الله ضعیف‌ان بود. بر رننگ در نقش خارجی که نشان می‌داد، او می‌گوید که طالبان در ابتدا کابل متحد و شریک‌های خود بودند. اما مخالفان او از حزب خلق بوده است. در صورت‌پس از حمله طالبان، دکتر نجیب الله رئیس‌جمهوری پیشین افغانستان، برای برخی مردم این کشور، شخصیت اوست که او را به عنوان شهید نام می‌زند و عکسها و فیلمهاش در بازارها و در اقصای سر، هستند که برخی از مردم هستند، همچنان او را اقصای سر، حکومتش از مردم خود می‌دانند.

مردم از دکتر نجیب الله می‌گویند  
اما مردم کابل از کشتن وی پس از سه سال، خاطره‌یامداد ششم ژانویه را فراموش کرده‌اند؟ دکتر نجیب الله، اکنون بعد از شش سال، چه جایگاهی در میان مردم دارد؟  
تقریباً از شهرندان کابل در این مورد چنین می‌گویند:  
«وقتی طالبان کابل را گرفتند، توانستند که شهر را به شهادت برسانند. ما را به خاطر حضور آنها در نهانگاه‌ها، ساندن، بلیزهای کارگان، ماهانگه که حضور آنها در افرمان آورد، کرده‌اند. دکتر نجیب را هم باید فراموش کرد.»  
«جایگاه دکتر نجیب در میان مردم همین است که او منتی خواهد شد. او بر سر نمانشای خود که کابل یک خانه هم ندارد، خرابه‌اش را با پاکستان و عراق هستند.  
این فقر می‌کنند که مانند هر کسی دیگر، او هم باید یک روزی جواب پس می‌داد و همان صحنه‌ای که دیدیم (آویختن او در چهارراه آریانا)، در همان جا به جزای اعمال خود رسید.»

نوشته: بی بی سی